

این عبارت دلالت دارد بر اینکه اصلا دخالت وزیر و خزانه داری و کمیسیون تطبیق حوالجات در این نخواهد بود و بنده منکر هستم که این عایدات بدون دخالت وزارت مالیه و خزانه داری بمصرف برسد و اگر دولت قبلا یا بعداً این عایدات را بمصرف خاصی متخصص کرده باشد بهمان مصرف باید خرج شود ولیکن با آن ترتیبی که مثل سایر ادارات در تحت حواله وزیر و همچنین کمیسیون تطبیق حوالجات یا کمیسیون تفتیش هر چه هست باشد لهذا عرضی که باید اینجا لفظ فاضل را انداخت و نوشت تحویل عایدات گمرک و مازاد صندوق جرائم بخرانه .

مخبر - اداره گمرکات خودش حق تأدیبه هیچ خرجی را خودسرانه ندارد چنانکه ملاحظه فرمودید راجع بوجوهی که باید از عایدات گمرک کی داده شود برای اداره محاسبات در یکی از مواد يك وظیفه همین کردیم اینکه ما می گوئیم تحویل فاضل عایدات گمرکات بخرانه داده شود مقصود این نیست که وجوهی که قبل از تحویل دادن در دست گمرک است خودش در خرج کردن مختار باشد بلکه پرداخت آن بموجب حواله وزیر مالیه است با اداره گمرکات و پرداخت آن بدست رئیس گمرک است فقط فرقی که ممکن است پیدا کند در پرداخت است در چیز دیگر نیست ممکن است بعضی بگویند که تمام عایدات در یکجا که اسمش خزانه مملکت است جمع شود و تمام مخارج را خزانه مملکت بدهد برای اینکه تکرار يك همیاتی نشود عرض میکنم در صورتی که يك مجلس عایدات معینی دارد و مخارج معینی را هم باید تأدیبه کند بمجلس خود آن اداره از طرف دولت مأمور خواهد بود که بر حسب حواله وزیر مالیه یکمخارجی را بدهد آن وقت اگر مازادی داشت بخرانه بپردازد پس اگر نظر آقایان در این است که تمام عایدات (چنانچه آقای آقا سید فاضل فرمودند) در یکجا جمع شود ما تصور کردیم اینطور خوب نباشد ولی اگر تصور میکنند که اداره گمرکات خودش بدون اجازه وزیر حق تأدیبه خرج را دارد هیچ همچو چیزی نیست و در هر خرجی مکلف خواهد بود که قبلا امضاء و حواله وزیر مالیه را بخواهد و هیچ نوع خرجی نمی تواند بشود مگر بر طبق حواله و تاوقتی که حواله وزیر مالیه نباشد اداره گمرکات خودش هیچ خرجی را نمی تواند بپردازد

آقای سید فاضل - بلی بنده عرضم با آن اختصاصی که فرمودند منافاتی نداشت همانطوری که آقای مدرس فرمودند گمرک باید طوری اداره شود که مثل سایر ادارات مملکت باشد و مخارج آن که در تحت حواله وزیر و نظریات کمیسیون تطبیق حوالجات باشد منتهی ممکن است عایدات در خود گمرک بماندولی بعد از امضاء وزیر و تصدیق کمیسیون تطبیق پرداخته شود والا اگر غیر از این باشد و عایدات گمرک بهر کس که باید داده شود بدون ترتیبات قانونی داده شود خزانه از مرکزیت مینماید و غرضی که ما از مرکزیت خزانه ایران داریم این است لطمه بمالیه ایران وارد نیاید و لطمه با اداره گمرک نزنند

عدل الملک - یکی دو مرتبه مذاکره در اختصاص عایدات گمرک شد گمان میکنم آقایان با بنده همراه باشند که این مسئله يك مطلبی است که

از دائره نظریات مجلس خارج است چون مجلس باین مسئله ابدأ نظر ندارد و يك اطلاعاتی هم راجع باین معقوله ندارد و بالاخره بطوری که آقای سردار معظم تشریح کردند فرقی نمیکند زیرا کلبه جمع و خرج و دقایق آن در تشکیلات مالیه رعایت شده است و مخارج بر طبق حواله است که با بودجه تطبیق شده و واجزیباتی که در این قانون رعایت شده است و اسرافی در مخارج وارد نمیشود و بالاخره عرض میکنم این عایدات برای مصادفی تشخیص شده است یا نشده است ما ابدأ به این مسئله التفات نداریم .

حاج امیر نظام - بنده در موضوع فاضل عایدات گمرکات با ماده موافقم و در آن باب مذاکرات را لازم نمیدانم در موضوع مازاد عایدات صندوق جرائم آن تقریری که آقای مدرس فرمودند اگر نباشد تمام جرائم را بخرانه داری بیاورند این يك چیز فوق العاده است زیرا آنچه از جرائم عاید خزانه میشود راجع بآن قسمتی است که بعد از وضع مخارج معین باقی میماند والا صدی ده یا پانزده از آن عایدات از قبیل حق الزحمه اشخاصی که تفتیش میکنند باید مطابق نظامنامه که نوشته شده است موضوع بشود آنچه باقی میماند متعلق بدولت است و در آن باقی بنده لازم میدانم عرض کنم که اداره گمرکات نباید يك چیز خلاصه بنویسد که فقط در فلان ولایات مازاد صندوق جرائم فلانقدر شده است گمان میکنم باید صورت دخل و خرج آن را مفصلاً بنویسد و بخرانه داری بدهد که از چه قبیل و از چه محل و بچه دلیل این جرائم گرفته شده و چقدر موضوع شده است و چقدر باقی مانده است که باید جزه مالیه دولت بشود .

مخبر - بنده قسمت اول از فرمایشات آقا را ملتفت نشدم ولی در آخر همچو فهمیدم که باید تمام صورت عایدات و مخارج را بدهد این مسئله در فقره دوم تصریح شده است و مینویسد (دادن محاسبات کلیه عایدات گمرک و صندوق جرائم و مخارج به اداره محاسبات کل) یعنی مطلقاً هر چه هست و نیست تمام قبل از وضع مخارج باید صورت تمام عایدات و مخارج را با اداره محاسبات کل بدهد اما بعد از مخارج ممکن است مبلغی در اداره گمرک باقی بماند و محل خرجی نداشته باشد آنرا باید چه بکند آن پولها هم ممکن است از عایدات خود گمرک یا از عایدات صندوق جرائم باشد این است که نوشته شده است مازاد هر دو فقره بخرانه برسد

مدرس - بجهت رفع اشتباه بنده عرض میکنم بنده در همان لفظ فاضل صحبت داشتم در مسئله گمرکات هیچ صحبت نکردم بخصوص بعضی الفاظی که هیچ راجع بیننده نبود صحبت بنده راجع بلفظ فاضل بود و این لفظ را زیادی میدانستم

نایب رئیس - مذاکرات کافی است آقای مؤید الاسلام پیشنهاد کرده اند که بماده ۱۴ اضافه شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده مرقوم شود (پس از پس داخست حوالجات وزارت مالیه) بخرانه داری .

نایب رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول میکنید .
مخبر - خیر این مسئله راجع باین است که مخارج در گمرکات بچه ترتیب باید بشود و این مسئله نوشته شده است که کلیه حوالجات بامضاء وزیر مالیه باید بشود و هر موقع نباید باین نکته متذکر شد .

نایب رئیس - آقای مؤید الاسلام قانع شدید **مؤید الاسلام** - بلی پیشنهاد خودم را پس میکنم .

نایب رئیس - یازده دقیقه تنفس است .
(در اینموقع تنفس شده پس از چند دقیقه ختم جلسه اعلان و جلسه آتیه بروز شنبه شانزدهم ابلاغ گردید)

جلسه ۳۱۴

صورت مشروح روز شنبه ۱۶ شهریور جمادی الثانی ۱۳۲۷

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه چهاردهم قرائت شد
غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه - حاج میرزا شمس الدین - حاج شیخ اسمعیل
غائبین با اجازه - آقای صدر الملک
رئیس - آقای سردار معظم فرمایشی دارید؟
سردار معظم - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده در جواب آقای حاج شیخ اسدالله گفتم (در ضمن وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات این مسئله ذکر خواهد شد) بنده اینطور عرض نکردم عرض کردم مراجعه بکمیسیون بشود در اینجا نظریات می شود

رئیس - بسیار خوب همینطور اصلاح میشود **معدل الدوله** - اینجا ذکر شده است که بنده تفتیش قبوض را لازم نمیدانستم عرض بنده این نبود که لازم نیست تصور میکردم محتاج به تفتیش نخواهد بود بواسطه اینکه کمیسیون تطبیق حوالجات آنها را تفتیش میکنند اینک تفتیش را لازم میدانستم
رئیس - این مسئله هم اضافه میشود - دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز مذاکره در قانون تشکیلات مالیه است از ماده چهاردهم
(ماده چهاردهم رایورت کمیسیون بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - محکمه مالیه مرکب است از یک نفر رئیس و ۲ عضو علی البدل
مخبر - اینجا اشتباهی شده است و يك کلمه حذف شده است باید نوشته شود (دو عضو و يك عضو علی البدل)
رئیس - مقصود آقای آقا سید فاضل هم همین است
آقا سید فاضل - بلی بنده هم همین را میخواستم عرض کنم
رئیس - پس دیگر مخالفی نیست - ماده پانزدهم قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۵ - در محکمه مالیه یک نفر مدعی العموم

مخالفت با مراد است بنده عرض این است که باید يك ملجأ صحیحی از برای مردم قرار داد بایاید نظر حکومت وقت را مدخلیت داد و با نظر عدلیه را باید دخالت داد یا تشکیلاتی برای این کار معین کرد که هرگاه مردم شکایتی داشته باشند و يك ظلمی به آنها شده باشد باین قسم بی سروسامان نباشد و نیویستاده است عرض کنم که مدعی العموم فریاد این چیزی که نوشته شده است خصاصی دارد البته خصائص همین است و باید بوظایف خودش عمل نماید هر اریض بنده راجع باین مسئله بود که عرض کردم

منتصر السلطان - پس از موضوع خارج شدید و برای این عقیده که اظهار میفرمائید یکجمله علیحده لازم است در این نامه نباشد مذاکره کرد

منتصر السلطان - بنده گمان میکنم در اینجا نمایندگان محترم يك اشتباهی کرده اند میان مدعی العموم عدلیه که دارای دو وظیفه است و مدعی - العموم مالیه که دارای يك وظیفه خصوصی است این دو مطلب از هم تفکیک نکرده اند بجهت اینکه قضاتی که در عدلیه معین میشوند و یا در محاکم مالیه معین میشوند این قضات همه حالشان یکسان است و عموم مردم خواه مدعی یا مدعی علیه در انتظار این قضاة مساوی خواهند بود ولی چیزی که هست اینست که اینجا تمام مردم با دولت طرفند یعنی یا مذاکره ای است که در خصوص خالصجات و یا مذاکره ای است در باب اینکه مأمورین مالیه از ما زیادتی گرفته و با تعدی کرده اند پس شخص مدعی با دولت مستقیماً طرف میشود و در محکمه نباید بکنفر از طرف دولت باشد که از حقوق دولت دفاع بکند و بگوید که مأمورین و نمایندگان من این ظلم و تعدی را نکرده اند مدعی العموم یعنی وکیل مثل وکیل های مردم که در عدلیه برای کارهای شخصی خود انتخاب میکنند مدعی العموم نمی تواند در آن واحد دو وکالت بکند فقط باید حفظ حقوق دولت را بکند

پس مدعی العموم کسی است که ما برای دولت در پیش قضات نماینده قرار میدهم و نمایندگان که پیشنهاد میکنند بگذردی اشتباه فرموده اند اگر التفات فرمائید این محکمه با محاکم عدلیه فرق دارد زیرا که مدعی العموم نمیتواند در آن واحد هم در کار شخصی و هم در کار دولت مداخله نماید و اینجا معاکه انحصار بدولت دارد و باید جواب دهاوی که هر فرد از افراد ناس نسبت بمالیات و املاک دولت مینمایند بدهند

لهذا بنده این پیشنهاد را رد میکنم و مذاکرات را هم کافی میدانم

حاج شیخ اسدالله - اینکه می فرمائید این محکمه با محکمه عدلیه فرق دارد بله اینقدر فرق دارد که آن محاکمات مالیه است و آن محاکمات عدلیه ولیکن از حیث نظر عمومی یکی است و هیچ فرقی ندارد و اینکه آقای مخبر میفرمائید آن محکمه عدلیه عمومی است و این محکمه عدلیه اداری است و يك محکمه خصوصی است عرض میکنم محکمه اداری همان مجلس مشاوره عالی است و این محکمه عدلیه حقوقی است و اینکه مطابق همین قانون در اینجا ذکر شد مدعی العموم باید دفاع از حقوق

دولت بکنند همین حق را مدعی العموم عدلیه هم دارد و همیشه باید در مقام محاکمه دفاع از حقوق دولت بکنند اینجا هم همان وظیفه را دارد و تصدیق دارم که در مقام محاکمه مثل بکنند مدعی بامدعی علیه در محکمه باید محاکمه کند ولی آن نظر عمومی که نظارت در اجرای قوانین است مدعی العموم نباید هیچوقت از نظر خود دور داشته باشد بنده تصور میکنم که یکی از اهم وظایف مدعی العموم چه مدعی العموم محاکمات مالیه باشد وجه مدعی العموم عدلیه دفاع کردن از قوانین مقرر است و هیچ مخالفتی ندارد که از طرف دولت بیايد کسی طرفیت داشته باشد باینکه در محکمه عدلیه از طرف بکنند صغیر باشد هیچ فرق نمیکند آن نظر طرفیت در جای خودش محفوظ است در محاکمات مالیه هم آن نظر حفظ قانون باید مراعات شود و اینکه گفته شد در محاکمات همیشه دولت طرف است اینطور نیست بلکه گاهی دولت طرف است و گاهی اشخاص دیگر طرفند - مثلا يك شخصی از امین مالیه یا از مأمورین مالیه شکایت میکند که بمن تعدی کرده اند و عایدی را که از من وصول کرده اند فقط بمیل شخص خودشان بوده و چیزی که از من گرفته اند فقط به کیسه مخفی خودشان رفته البته دولت اینجا دولت بهیچوجه طرف نیست و در این موقع مدعی العموم وظیفه اش اینست که حافظ قوانین مقرر باشد و باید حقوق هیچکس را از دست نهد یکی از اهم وظایف مدعی العموم همان حفظ قوانین مقرر و جنبه عمومی است چه در عدلیه و چه در مالیه هیچ فرقی نمیکند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا **محمد هاشم میرزا** - بعضی از آقایان که میفرمایند ملجائی برای مردم باید پیدا کرد و پیشنهاد بکنند آقای مدرس فرمودند که مدعی العموم طرفدار حق باشد تصور میکنم همان شاکه ها هم باید طرفدار حق باشند و خود محکمه هم طرفدار حق باشد لازم نیست منحصر بمدعی العموم کرد در همه جا می توان این کلمه را اضافه کرد اما آن قسمتی را که برای وظایف مدعی العموم می فرمائید تصور میکنم بمجرد لفظ و بواسطه اصلاح شود وظایفی که در جای دیگر برای مدعی العموم معین میکنند در اینجا هم معین کرد این يك اصطلاحی است در عدلیه مدعی العموم اسم کسی را گذاشته اند که باید حافظ تمام قوانین باشد اینجا هم کسی را مدعی العموم گذاشته اند که حافظ حقوق دولت باشد و محض اینکه يك لفظی مشترك بود نباید تصور کنند مصداق که در جای دیگر دارد اینجا همان طور است پس در خود محکمه هم باید گفت آنقدره شرایطی که برای يك محکمه ابتدائی شرایط را دارا باشد بنظر بنده این مذاکرات بواسطه اشتباهی که در لفظ مدعی العموم کرده ام در حالیکه این کلمه در اینجا اصطلاحی است برای کسیکه باید حافظ دولت باشد و هیچ لازم نیست جمیع وظایفی که بجهت مدعی العموم عدلیه است در اینجا ذکر شود

رئیس - حالا مذاکرات کافی است (جمعی گفتند دولت بکنند همین حق را مدعی العموم عدلیه هم دارد و همیشه باید در مقام محاکمه دفاع از حقوق دولت بکنند اینجا هم همان وظیفه را دارد و تصدیق دارم که در مقام محاکمه مثل بکنند مدعی بامدعی علیه در محکمه باید محاکمه کند ولی آن نظر عمومی که نظارت در اجرای قوانین است مدعی العموم نباید هیچوقت از نظر خود دور داشته باشد بنده تصور میکنم که یکی از اهم وظایف مدعی العموم چه مدعی العموم محاکمات مالیه باشد وجه مدعی العموم عدلیه دفاع کردن از قوانین مقرر است و هیچ مخالفتی ندارد که از طرف دولت بیايد کسی طرفیت داشته باشد باینکه در محکمه عدلیه از طرف بکنند صغیر باشد هیچ فرق نمیکند آن نظر طرفیت در جای خودش محفوظ است در محاکمات مالیه هم آن نظر حفظ قانون باید مراعات شود و اینکه گفته شد در محاکمات همیشه دولت طرف است اینطور نیست بلکه گاهی دولت طرف است و گاهی اشخاص دیگر طرفند - مثلا يك شخصی از امین مالیه یا از مأمورین مالیه شکایت میکند که بمن تعدی کرده اند و عایدی را که از من وصول کرده اند فقط بمیل شخص خودشان بوده و چیزی که از من گرفته اند فقط به کیسه مخفی خودشان رفته البته دولت اینجا دولت بهیچوجه طرف نیست و در این موقع مدعی العموم وظیفه اش اینست که حافظ قوانین مقرر باشد و باید حقوق هیچکس را از دست نهد یکی از اهم وظایف مدعی العموم همان حفظ قوانین مقرر و جنبه عمومی است چه در عدلیه و چه در مالیه هیچ فرقی نمیکند

کافی است) پیشنهاد آقای مدرس در باره قرائت میشود رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم در قرائت توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای سلطان العلماء راجع بماده (۲۴) قرائت می شود (بعضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ضمیمه نمایند که مدعی العموم حافظ منافع دولت و ملت بوده باشد بخصوص دولت یعنی مدعی العموم باید حفظ حقوق طرفین را بنماید

رئیس - آقای سلطان العلماء توضیحی دارید

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم اداره محاکمات برای رفع تظلمات و شکایات مردم است و مدعی العموم وظیفه اش آنست طرفدار عموم باشد چه راجع بدولت و چه راجع بسلت و الا اداره محاکمات معنی ندارد

رئیس - در این پیشنهاد رأی میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده ۲۶ قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد)

ماده ۲۶ - حقوق محاکمه علیه اخذ میشود و ربع این مبلغ را در حین دادن عرض حال عارض بصندوق پرداخته قبض صندوق را بر عرض حال خود ضمیمه میکنند ماده مزبور در صورتی که عارض مطابق حکم قطعی محقق در آمد باز مسترد میشود از برای تجدید نظر اخذ نخواهد شد

رئیس - آقای مدرس مخالفند

مدرس - بلی مخالفم عرض میکنم در آخر ماده که مینویسد ربع مبلغ صدی پنج را بصندوق می پردازد مقتضی ندارد بجهت این که معنای این عبارت این است که اگر کسی شکایت کرد که امین مالیه فلان جا هزار تومان بمن تعدی کرده است عرض حال که میدهند باید ربع مبلغ صدی پنج مدعی به را قبلاً بدهد و این مسئله در این مملکت معنایش اینست که هیچکس شکایت نکند و خیلی خوب بود که این مطلب در این نامه نوشته نشود والا بنده بعضی این که بخواهم بیایم شکایت بکنم که امین مالیه فلان جا هزار تومان بمن تعدی کرده حالا که بخواهند رسیدگی کنند بگویند يك یولی بدهید در صندوق بگذاریم تا این که شکایت شما را رسیدگی کنیم خوب نیست و بعقیده بنده خوب است از اول پول گرفتن را موقوف بنمایند بعد که رسیدگی کردند و دیدند حق میگوید یا نا حق میگوید اگر خواستند صدی پنج از مدعی به را بگیرند مسئله نیست والا در اول بخواهند چیزی از عارض بگیرند این معنایش اینست که کسی ابتدا شکایت نکند و خوب است اگر بخواهیم این محاکمات که صدای عدل است موقوف نشود پول گرفتن را از اول موقوف کنیم

مخبر - بنده میترسم اگر بگذردی عملی تر بشویم این عدل را بیش از آنکه بلند شود خفه کنیم

صحیح است که برای رفاه حال مردم مجلس و دولت مصمم شده اند و يك ملجائی معین کردند که مردم بتوانند شکایات خود را اینجا رجوع بکنند ولی اگر ما همین درجه اکتفا کنیم و وسایل سهولت جریان امور را فراهم بکنیم تصدیق خواهند فرمود که علاوه بر این که رفع شکایات مردم نخواهد شد يك قدری هم بر شکایات مردم افزوده خواهد شد و علاوه بر این نفاذ ایران يك محکمه میداشتن بنده هم باین عقیده همراه میشدم که عارض يك ربع از صدی پنج مدعی به را بپردازد ولی اولاً ملاحظه فرمائید این مبلغ چقدر است حق محاکمه صدی پنج است ربع صدی پنج را بعنوان حق الضمانه باید بدهد و این مبلغ خیلی جزئی خواهد بود و اگر عارض بهیچوجه محدود يك حدی نباشد عده عارضین بقدری زیاد خواهند شد که این محکمه که در مرکز تشکیل میشود ابتدا وقت این را نخواهد داشت که رسیدگی بشکایات مردم بکند باز همان قیل و قالها و همان شکایاتها که داشتند رفع که نخواهد شد سهل است از خود محکمه هم شاکه خواهد شد و خواهند گفت عجب محکمه تشکیل داده اند که یکسال می گذرد و رسیدگی بشکایات مردم نمی کنند زیرا که هر کسی نظر بشکایات خود دارد و هیچ نظر ندارد باین که قبل از او هم عده زیادی شکایت کرده اند و يك محکمه فرصت و وقت رسیدگی باین همه شکایات را ندارد پس باید برای اینکار يك کاری کرد که بنده که عارض هستم فکر این را بکنم که علاوه بر آن يك ورق کفکند امضاء میکنم يك مبلغی هم باید بدهم که آن مبلغ ضامن حق کوئی من باشد و باین واسطه شکایت بی مأخذ زیاد نشود و محکمه وقت رسیدگی بشکایات با مأخذ را داشته باشد این است که عارض در موقع دادن عرض حال ربع از مبلغ صدی پنج مدعی به را که در واقع يك چیز خیلی خیلی مختصری است ضمناً بعنوان ضمانت بدهد و اگر این کار را بکنیم می ترسم همانطور که عرض کردم این صدای عدالت خفه شود و محکمه نتواند انجام وظایف خود را بدهد

ناصر الاسلام - بنا بر این خیالی که آقای مخبر فرمودند تقریباً نتیجه این نامه این خواهد بود که جلوگیری از کثرت شکایات متظلمین بشود اگر اینطور است لازم نیست که از این نامه این منظور را در نظر بگیریم خوب است بگوئیم اصلاً این محکمه تشکیل نشود زیرا وقتی که محکمه نباشد دیگر عارض عرض حال نخواهد داد و اظهار نظری نخواهد کرد پس فرض این مطلب نیست و بطوری که آقای مدرس فرمودند بنده این مطلب را عرض کنم که نهی دانم سهل است بلکه خیلی هم مفید می دانم زیرا آن کسی عرض حال می دهد قبلاً در نظر می گیرد که آن عرض حال را که میدهد لگن بی اساس باشد موقوف نخواهد شد و بواسطه مخارجی که برای گرفتن و بیل و توقف در اینجا لازم است نمی آید در يك موضوع بی - اساسی که امید بعقائیت خود نداشته باشد دارا شود پس هر عارضی که تظلم میکند البته می خواهد رفع این تظلم بشود و البته اول احقاق حق خودش را در نظر می گیرد و بعد تظلم میکند و حالا ابتدا از او يك مبالغی درخواست کردن اگر حقیقتاً مضرت نداشته باشد خیلی سوء اثر میکند

عبد الملك - بنده تصور می کردم که توضیحات آقای مخبر بقدری کافی بود که مجدداً توضیح لازم نداشت بکری از صدی پنج که بعنوان حق الضمانه از عارض دریافت و در صندوق توقیف می شود اگر محکوم نشود اخیراً با او خواهد شد و با انسیکه بجز این امور داخلی خودمان داریم می دانیم که هر کس برای طرفه از پیش آمد خودش بکراه فراری پیش بینی میکنند گمان می کنم که این مبلغ يك چیز خیلی کوچکی است و برای این است که دهاری و آهی و حرفهای بی اساس در محکمه اظهار نکنند و قبلاً پیش خود فکر کنند اگر خود را محق می دانند شکایت کنند علاوه بر این بقدری کوچک و خفیف است که گمان میکنم تحمل فوق العاده بکسی نشده باشد علاوه این مقدار در سایر دوایر برای الصاق تمبر و بایک عنوان دیگر گرفته می شود

حاج شیخ اسدالله - آقایان باید بدانند که این محکمه فقط در مرکز است و باشخاصی که در اقصی بلاد تعدی میشود باید بر کربانین و در اینجا تظلم کنند و یا اینکه بواسطه يك وکیل و مخارج فوق العاده که برای آنها تحمیل شود بتوانند داخل در محاکمه بشوند بعد از اینکه يك شخصی از اقصی بلاد اینجا آمد و يك مخارج فوق العاده هم کرد وقتی که میخواهد تظلم خودش را در محکمه اظهار کند ابتدا نباید دست دراز کرد و گفت يك مبلغی بده بلی در عدلیه این ترتیب است ولی عدلیه ترتیب دیگری است و معاکم عدلیه در تمام ولایات است و این محکمه فقط در مرکز است در این هم بنده اساساً مخالف نیستم که بعد از اینکه محکوم شد از او چیزی گرفته شود تا این مسئله يك مجازاتی باشد و اسباب تجری دیگران نشود و بیخود اوقات محکمه را ضایع نکنند این مطلب اساساً خوب است ولی نه اول که عرض حال میدهد بعنوان خرج محکمه ربع از صدی پنج از او مطالبه شود اگر چه میفرمایند این چیز قابل نیست هر چه هم ناقابل باشد ابتدا بمخارج نباید اظهار این مطلب را کرد علاوه باشخاصی که ظلم شده است ابتدا نباید از آنها مطالبه پولی کرد و بجهت پیش بینی و اینکه اسباب زحمت نشوند و يك عرائض و آهی اظهار نکنند همین قدر بس است که صدی پنج بعد از محکومیت از آنها دریافت شود بنده باین مطلب خیلی اهمیت میدهم و لازم میدانم قسمت آخر را حذف کنند و همان صدی پنج قناعت شود و بعد از محکومیت دریافت کنند دیگر ابتدا لازم نیست چیزی گرفته شود

سردار معظم مخبر - بنده تصور میکنم آقای حاج شیخ اسدالله با دلائل و بیانات وافی که اظهار فرمودند لازم بود که ایشان موافق باشند زیرا اظهار داشتند که مردم برای اینکه احقاق حقشان بشود از نقاط دور دست می آیند و مخارجی میکنند و دیگر نباید يك تحمیلات فوق العاده متحمل شوند حالا بخواهیم به بنیم این يك تحمیلات فوق - العاده است یا نیست اگر ایشان میفرمایند که نباید هیچ گرفته شود پس باید تمام محاکمات عدلیه مجانی باشد اما وقتیکه ایشان معتقد هستند که باید صدی ۵ بعد از محکوم شدن گرفته شود پس تفاوت معامله این است که چند روز زودتر یا دیرتر شود کسی

که این همه خرج را متحمل میشود و برای احقاق حق خودش بر مرکز میاید اگر مدعی هزار تومان باشد البته ۱۲ تومان ۵ قران را میتواند بدهد تا اینکه شروع بمحاکمه بشود و این اساس اساس تازه نیست و همینطور که آقای عبد الملك فرمودند این مسئله در تمام ممالک ملحوظ است وقتی که کسی میخواهد بعدلیه عرض حال بدهد چه میکند ابتدا يك مبلغی از کیسه خود پول بصندوق دولت میدهد یعنی بانده از هین ربع صدی ۵ باید تمبر بگیرد بر عرض حال خود الصان کند بنابر این عرض میکنم این نظر تازه نیست وقتی که معتقد شدند که پس از آنکه محکوم شد باید صدی ۵ بدهد و خودشان هم تصدیق کردند که با داشتن يك محکمه عدلیه که بجز بقدری زیاد خواهد شد که آن مقصودی که در نظر است عملاً حاصل نمیشود و گرفتاری محکمه بقدری زیاد خواهد شد که نمیتواند جواب عارضین را بدهد البته در اینصورت بهتر اینست که عارضین را مقید بیک قیدهای کوچکی بکنیم که قبل از آنکه می خواهند عرض حال بدهند یا از آن عرض حال خودشان را بدهند و این بهیچوجه صدمه وارد نمیکند و اینکه آقای ناصر الاسلام فرمودند جلو احقاق حق مردم گرفته میشود بنده عرض میکنم بهر وسیله که ممکن باشد جلو اظهارات تمارضین که حرفشان اساس ندارد گرفته شود بهتر است

(ماده ۲۷ بمضمون ذیل قرائت میشود)
 ماده ۲۷ - مدعی العموم و مأمورین مالیه دولت از دادن خرج محاکمه از هر قبیل که باشد معافند

ارداب کیخسرو - قسمت دوم این ماده را بنده زیادی میدانم بجهت اینکه اگر بامامورین مالیه شخصاً تعدی کرده باشند و برای آنها مجازاتی قرار داده خواهد شد در اینصورت جمله مأمورین دولت از دادن خرج مجا که واز هر قبیل که باشد معافند این را بنده هیچ لازم نمیدانم و فقط همین کافی است که در موقع مجازات تکلیف آنها معین شود

سردار معظم مخبر - گویا اینجا مقصود این نباشد که از مجازات معاف هستند و نمیشود این را حذف نمود بجهت اینکه در ماده که گذشت تصریح شده است که حقوق محاکمه از محکوم علیه اخذ میشود و ممکن است محکوم علیه در بعضی مواقع مأمور دولت باشد آنوقت پس اگر این قسمت را برداریم مثل این میشود که محکوم علیه اهم از این که مأمور دولت باشد یا نباشد صدی ۵ را باید بدهد ولی در اینجا مقصود این نیست و البته اگر معین شده که تصیری کرده اند در مجلس مشاوره عالی رسیدگی شده و مجازات خواهند شد

حاج شیخ اسدالله - محاکماتی که میشود در این محکمه دو قبیل است یکدفعه این است که دولت طرف است یعنی عارض تظلم میکند که دولت بواسطه مأمورین خودش بمن تعدی کرده است يك دفعه دیگر این است که مدعی علیه معینی دارد یعنی عارض میگوید امین مالیه شخصاً نسبت بمن فلان تعدی را کرده است و ابتدا وارد بصندوق دولت هم نشده اما در صورتی که طرف در واقع دولت باشد مأمورین مالیه باید از حق محاکمه معاف باشند اما

در صورتی که مأمورین مالیه شخصاً خودشان طرف باشند برای چه از خرج معاکمه معاف باشند آنها هم مثل اشخاص هادی ملاحظه خواهند شد و پس باید آنها هم خرج محاکمات را بدهند اگر می فرمایند مطابق محاکمات اداری برای آنها یک مجازاتی معین شده است این راجع به مجازات اداری و ترتیبات اداری است ربطی بخرج محاکمه ندارد شخص مدعی و مدعی علیه در صورتی که دولت طرف نباشد در هر دو هم هستند و یک حال دارند همچنین عهده عارض و مدعی باید خرج معاکمه را بدهد مدعی علیه هم در صورتیکه دولت طرف نباشد باید خرج معاکمه را بدهد و هیچ تفاوت نمیکند لهذا بنده تقاضای می کنم که ماده اینطور نوشته شود (مدعی العموم و مأمورین مالیه از دادن خرج معاکمه معاف هستند در صورتی که مدعی به صندوق دولت داده شده باشد) این را اگر آقای مغیره قبول دارند در کمیسیون اصلاح کنند

سردار معظم مخبر - در این مسئله همیشه دولت طرف است هیچ ممکن نیست یک شخص مخصوص طرف باشد بجهت اینکه همان کسی هم که شکایت میکنند مالیه فلان محل پولی گرفته است و صندوق دولت وارد نشده است همان امین مالیه اینکار را در موقعی کرده است که مأمور دولت بوده و در واقع سوء استفاده از مأموریت خود کرده است و بر فرض تعدی کردن در موقعی تعدی کرده است که مأمور دولت بوده پس ابتداء باید این مسئله را تفکیک کرد که آیا حقیقتاً این تعدی را که کرده است برای دولت کرده است یا برای منافع خصوصی پس از اینکه معاکمه شد و معلوم شد آنوقت آن مأموری که برای جلب منفعت خودش یک همچو کاری کرده است و بنام دولت دزدی کرده است دیگر دولت آن دزد را نگاه نمیدارد و او را مجازات خواهد کرد و از خدمت خودش خارج خواهد نمود پس تا وقتی که داخل در خدمت دولت است دولت طرف است پس از آنکه از خدمت دولت خارج شد یک شخص عادی خواهد بود و آنوقت معاکمه دوتفر شخص هادی را محاکمه مالیه صلاحیت ندارد بنامید آنوقت بمعاکمه عدلیه رجوع میکند و خسارت خود را از او بگیرد پس در هر صورت تا وقتی که این محاکمه صلاحیت حکم را دارد همیشه دولت طرف است.

علی الملک - خرج معاکمه یا سایر چیزهایی را که بر مردم تحمیل میکنند برای این است که مقید کنند اگر یک تضرری بر مردم میشود این تضرر را رفع نمایند صحیح است که مدعی العموم کلیتاً در دعوی که برای حفظ منافع دولت و باعموم مینماید از خرج معاکمه معاف باشد اما مأمورین مالیه و کسانی که امانت مالیه هستند وقتی که آنها تضرری بر مردم وارد میاورند هیچ فرقی با دیگران ندارند که از خرج معاکمه معاف باشند و بنده تصور میکنم که باید این ماده اینطور اصلاح شود مدعی العموم از دادن مخارج از هر قبیل که باشد معاف است ولی امانت مالیه موافق همان نظری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند از مخارج معاکمات معاف باشند در صورتی که مدعی به صندوق دولتی هاید شده باشد اگر خودش یک تحمیل کرده باشد و بصندوق دولت هاید نشده باشد باید مخارج معاکمه را بدهد.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است (بیشتهادیکه آقای ارباب کبیسرو کرده اند رأی میگیریم)

ارباب کبیسرو - در صورتیکه آن پیشنهادی را که آقای حاج شیخ اسدالله کرده اند و آقای علی الملک هم تأیید نموده اند قبول شود بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم.

رئیس - خیلی خوب - چند دقیقه تنفس داده می شود بعد در پیشنهاد رأی میگیریم (در اینموقع حضار برای تنفس خارج شده و پس از بازگشت دقیقه مجدداً جلسه منعقد گردید)

رئیس - دوتفر پیشنهاد است یکی از طرف آقای علی الملک و یکی دیگر از طرف ارباب کبیسرو - (بیشتهاد آقای علی الملک بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۲۷) اینطور اصلاح شود (مدعی العموم از دادن خرج محاکمه معاف خواهد بود در صورتیکه مدعی به صندوق دولت پرداخته شده باشد

رئیس - رأی می گیریم در قابل بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - دیگر در پیشنهاد آقای ارباب کبیسرو نمیشود رأی گرفت ماده ۲۸ قرائت (بمضمون ذیل قرائت گردید)

ماده ۲۸ - در صورتی که پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشود میتواند تقاضای معاکمه نمایند در اینصورت این تقاضا با تصدیق مدعیه کتباً بوزارت مالیه داده میشود

محمد هاشم میرزا - عقیده بنده اینست که این ماده باید قبل از وظایف محاکمه نوشته شده باشد اینجا مؤخر نوشته شده است (در صورتی پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشود آنوقت تقاضای محاکمه نمایند)

اینجا خیلی بی موقع است حتماً باید این ماده مقدم باشد.

مخبر - بنده مقصود ایشان را درست نفهمیدم اگر میفرمایند در ضمن مواد راجع به معاکمات باید مقدم نوشته شود اینطور نیست بواسطه این که موادی که گذشت راجع به شکایات معاکمات بود و از حالا شروع می شود بوظایف معاکمات باین لحاظ اول شکایات معاکمات نوشته میشود بعد وظایف معاکمات

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که باید یک مدتی برای اینکار قرار داد مثلا اینجا نوشته شده است که ابتداء عارضین باید بمقامات مربوطه رجوع کنند معلوم است بداره تشخیس هایدات یا بداره محاسبات مطابق این تشکیلاتی که معین شده است رجوع می کنند اگر رفع شکایات آنها شد دیگر شکایاتی ندارند و بمعاکمه رجوع نمیشود اگر رفع شکایات آنها نشد باید معلوم شود تا چه مدت می توانند شکایت کنند و بشکایات آنها رسیدگی میشود بنده تصور میکنم باید ضرب الاجل بشود یک مدتی برای این کار معین شود که پس از آنکه مثلا بداره تشخیس هایدات رجوع کردند و رفع شکایات

آنها نشد اقلاً یک مدتی معین باشد که بعد از چندسال نگوید من بفلان جا رجوع کردم رفع شکایت من نشد و اگر مدت معین نباشد اسباب زحمت خواهد شد بنده پیشنهاد میکنم که برای اینکار یک مدتی معین فرمایند.

مخبر - در این ماده نمیشود مدت معین کرد خصوص در باب شکایات که محاکمه نمی داند چه نوع شکایات را باید بپذیرد در صورتی که ماده بعد را اگر ملاحظه فرمایند تصریح شده است که وظایف محاکمه رسیدگی بمظلمات است اگر مقصود اینست که در حق عارض این حکم را بکنیم این کار را کرده ایم و گفته ایم که اگر بمقامات مربوطه مراجعه کردند و رفع شکایات آنها نشد آنوقت می توانند تقاضای معاکمه بکنند و این طور نوشته شده است برای اینست که در هر موقع برای هر مطلب جزئی اصلاح شود (مدعی العموم از دادن خرج محاکمه معاف خواهد بود در صورتیکه مدعی به صندوق دولت پرداخته شده باشد

رئیس - رأی می گیریم در قابل بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

ناصر الاسلام - همانطوریکه آقای محمد هاشم میرزا اظهار کردند آن ماده در اینجا موافقت ندارد باید بعد از موادیکه راجع به شکایات محاکمه نوشته شده ذکر کنند زیرا یکی از مقامات مربوطه وزیر مالیه است تصور میکنم که اگر در بدو امر عارض بوزیر مالیه اظهار بکنند و احقاق حق نشود آنوقت دیگر نمیتواند ارجاع بمعاکمه نماید پس بر حسب موقع باید جایش مبدل شود و مقدم شود یعنی بعد از شکایات محاکمه نوشته شود

علی الملک - عرض میکنم اگر ماده ذیل را بخوانند تصدیق خواهند فرمود که لزومی ندارد ماده ذیل مینویسد (دعوی مفسله ذیل در محاکمه مالیه پذیرفته نخواهد شد)

در فقره دوم مینویسد (شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایت از طرف مالیات بده بوزارت مالیه اظهار شده است) در اینجا باید فقط یک اصلاح عبارتی بشود که در موقع عرض خواهم کرد و این مسئله که میفرمایند در بند دوم ماده ۳۱ پیش بینی نشده است.

محمد هاشم میرزا - بطوریکه آقای مغیره فرمودند اول تشکیلات محاکمه نوشته میشود و بعد وظایف محاکمات پس در آنماده که قبلاً خوانده شده وظایف محاکمه ابتداء نوشته شده است گرفتن حقوق معاکمه صدی پنج و این حقوق صدی پنج وظایف محاکمه است عقیده بنده اینست که همانطوریکه آقای ناصر الاسلام هم فرمودند این ماده را تبدیل نمایند و مقدم بدارند

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد ماده ۲۹ خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۹ - وظایف محاکمه مالیه رسیدگی به مظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین مالیه مینمایند

رئیس - در ماده ۲۹ مغالطی هست یا نیست اظهاری نشود ماده ۳۰ بمضمون ذیل قرائت گردید

ماده (۳۰) طریق معاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس خواهد گذشت

رئیس - در اینماده مغالطی نیست - مغالطی نشد خوب حالا آقایان وزراء تشریف آورده اند آقای رئیس الوزرا میفرمایند بوزارت را معرفی نمایند بعد از معرفی ایشان مشغول میشودم

رئیس الوزرا - نظر بوعده که در هفته گذشته بهیئت محترم نمایندگان مجلس شورای ملی برای تشکیل هیئت دولت عرض کرده بودم امروز آقایان وزراء برای معرفی حاضر شده اند امیدوارم انشاء الله با همان نظریاتی که نمایندگان محترم نسبت بمن داشته بوزراء هم همان نظر را داشته باشند و امیدوارم بواسطه همان نظر اعتمادی که بمن داشته هیئت دولت با اتفاق نمایندگان محترم بتوانند در خدمت دولت و ملت با کمال مجاهدت سعی باشند و امیدوارم انشاء الله خداوند موفقیت بدهد که باین آرزو نائل شوم و پروگرام را هم تا چند روز دیگر حاضر کرده بمجلس تقدیم می نمایم (آقایان وزراء باین ترتیب معین شده اند)

شاهزاده فرامفرما وزیر داخله
آقای حاج معتمد السلطنه وزیر امور خارجه
آقای سردار منصور وزیر عدلیه
آقای حاج امیر نظام وزیر مالیه
آقای مؤدب السلطنه وزیر پست و تلگراف و نوایده عامه

آقای حکیم الملک وزیر معارف و اوقاف
وزارت جنگ را هم خود بنده یک نظری خواهم کرد تا در موقع وزیرش را معین کرده و برض مجلس شورای ملی برسانم

رئیس - آقایان نمایندگان محترم باید از آقای رئیس الوزرا خیلی ممنون باشند که با آنواع و اشکالاتی که در پیش بود در ظرف دوسه روزه خاتمه به بجران داده هیئت وزرای خودشان را بمجلس معرفی فرمودند خاطر آقایان مسبوق است چند روز قبل نمایلات خود مان را نسبت بآقای رئیس الوزرا با اتفاق آراء معلوم کردیم و عده همه قسم مساعدت هم دادیم حالا که موفق شدند و کاپینه خودشان را معرفی کردند امیدواریم همان موافقت نظریکه بنا بوده است در کار باشد باشد امور بروفق مرام انجام بگیرد (مجدداً شروع بنمادگره قانون تشکیلات مالیه شد و ماده (۳۱) بمضمون ذیل قرائت کردند)

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۱) دعوی مفسله ذیل در محاکمه مالیه پذیرفته نخواهد شد (۱) دعوی که قبل از تصویب این قانون در ادارات وزارت مالیه ختم شده است (۲) شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایات از طرف مالیات بده بوزارت مالیه اظهار نشده است

رئیس - در ماده ۳۱ مغالطی هست

مدرس - گمان من اینست که یک لفظ (سبب) در اینجا میخورد که وقوع سبب شکایت نه خود شکایت

مخبر - خود شکایت بهتر است

علی الملک - یاد آوری میکنم آن مسئله را که آقای حاج شیخ اسدالله برای مدت میخواستند در ماده ۲۸ ذکر شود آنماده این ماده (۳۱) است که باید در اینجا ذکر شود شکایاتی که مقصود ایشان بود همین است که در اینجا نوشته شده است شکایات مالیاتی که در ظرف ۲ سال از روز وقوع آن شکایات بوزارت مالیه اظهار نشده دیگر رسیدگی نخواهد شد ولی اینمبارت که در اینجا قید شده است و شکایات مالیاتی را از مستثنیات قرار داده اند بنده این کلمه مالیاتی را از میدانم برای اینکه شکایات ممکن است مالیاتی باشد و ممکن است راجع بخالصه باشد بنده عقیده ام این است اینطور اصلاح شود بهتر است یعنی کلیه شکایاتی که از عارضین میشود یک مدتی داشته باشد و محدود باشد.

مخبر - این مسئله را که میفرمایند نه این است که کمیسیون قوانین مالیه در نظر نداشت ولی معتدل بود نشود اینطور قرارداد بجهت فرض فرمایند اگر یک کسی یک دعوی غیر از شکایات مالیاتی داشته باشد یا یک اختلاف حدودی با املاک خالصه پیش بیاید در اینصورت ما نمیتوانیم محدود کنیم و بگوئیم پس از انتضای این دوسال دیگر حق شکایت نداشته باشد شاید در یک موقعی شکایت کرد و احقاق حق او بعمل نیاید آنوقت چکند پس برای آنکه حق آن آدم از میان نرود بخواستیم محدود کرده باشیم یک قسمت از دعوی مردم از حیث محدود کردن مدت یا مال میشود بنا بر این مدت را فقط بدعوی کراجح بمالیات محدود کردیم یعنی دعوی که خارج از مالیات باشد بجهت محدود نیست و همه وقت نمیتواند اظهار خودش را بنماید مثلا اگر شخصی با دولت دعوی ملکی داشته باشد ممکن است در ظرف ده سال و بیست سال یا بیشتر شکایت خودش را بمعاکمه اظهار کند.

حاج شیخ اسدالله - این نکته را که آقای مدرس فرمودند مغیر التفات فرمودند که در ظرف ۲ سال از روز وقوع شکایت و حال آنکه ممکن است بعد از آن تعدی که بان شخص شده است یکسال دیگر شکایت خود را اظهار کند مقصود سبب شکایت است یعنی برای اظهار شکایت مالیاتی دو سال وقت هست اما ابتداء این دوسال از چه روزی است آیا از روزی است که این تعدی بان شخص شده است یا بعد از آن این را باید آقای مخبر درست فرمایند که معلوم شود.

مخبر - بنده در این مورد مجبور هستم وظایف خردم را به آقا عرض کنم یعنی در آن مورد باید یک قدری ملاحظه حال مردم را کرد بجهت اینکه ممکن است یک کسی برای تصحیح حق دیگری سبب شکایت را وسیله قرار بدهد ولی این که میگوئیم از روز وقوع شکایت برای اینست که مردم برای اظهار شکایت زیادتر وقت داشته باشند و اگر بنویسیم سبب شکایت وقت را کمتر میکنند (ماده ۳۲ بمضمون ذیل قرائت گردید)

ماده (۳۲) - محاکمه مزبور پس از رسیدگی بشکایات راپورت خود را بوزیر مالیه میدهد و راپورت های مزبور پس از امضای وزیر مالیه قطعی شده

بموقع اجرا گذاشته میشود.

رئیس - در ماده ۳۲ مغالطی نیست (اظهاری نشد) (ماده ۳۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۳) - وزیر مالیه مطابق نظر خود و یا موافق عقیده مدعی العمومی نمی تواند حکم تجدید نظر را بدهد در این صورت همان معاکمه در تحت ریاست وزیر مالیه یا معاون او تجدید نظر در راپورت نموده رأی خود را اظهار میدارد و آن رأی قطعی و لازم الاجرا است

رئیس - مغالطی هست

محمد هاشم میرزا - در صورتی که دایره محاکمه خیلی تنگ است و یک معاکمه است که هیچ استیناف هم برایش قائل نشده ایم این تجدید نظر هم بنظر مدعی العموم و وزیر مالیه گذاشته شده است و بجهت شخص محکوم هیچ حق استیناف و حق تجدید نظر باقی نگذاشته اند و بنظر بنده طرف دولت ملاحظه شده است و طرف ملت ملاحظه نشده است بجهت اینکه اگر آن شخص محکوم شد حق ندارد تقاضای تجدید نظر بکنند همانطوریکه مدعی العموم که مأمور صرفه جوئی دولت است حق تجدید نظر ندارد همانطور هم باید شخصی که شاکی است و محکوم شد باید حق تجدید نظر داشته باشد اما از باب تجدید نظر هم که همین همان اشخاص خواهند بود که اول محاکمه کرده اند بنظر بنده این هم خیلی ناقص است بجهت اینکه باید اقلاً دوتفر دیگر اضافه شود که یک قضای در رأی و افکار آن عده اولی بکنند والا اگر همان عده تجدید نظر بکنند گمان میکنم چندان فایده متصور نباشد باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام تقدیم مینمایم (بیشتهاد بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده ۳۳ اینطور نوشته بشود وزیر مالیه در موارد ذیل حکم به تجدید نظر میدهد.

(۱) مطابق عقیده خود
(۲) موافق پیشنهاد مدعی العموم
(۳) بر حسب تقاضای محکوم در این صورت همان محاکمه با اضافه دو نفر از اعضای مالیه به تعیین وزیر در تحت ریاست وزیر یا معاون او تجدید نظر نموده رأی خود را اظهار میدارد و آن رأی قطعی و لازم الاجرا است

مخبر - باز هم مجبور هستم جهاتی را که در یکی از مواد عرض کردم تکرار نمایم بطور صریح عرض میکنم و اطمینان میدهم اگر بمعکومین حق بدهیم که تقاضای تجدید نظر بکنند کار محاکمه دو مقابل خواهد شد بجهت اینکه هر کسی که محکوم شود ولو اینکه خودش هم بداند که هیچ فرقی در رأی محاکمه پیدا نخواهد شد قطعاً تقاضای تجدید نظر خواهد کرد و در اینصورت امر دائر است باینکه این محاکمه عوض یک کار دو کار بکنند و نخواهد توانست از عهده تمام شکایاتی که بانجا رجوع شده است بر آید از طرف دیگر ماده ۳۲ و ۳۳ وقتی بهم مربوط کنیم نه این است که در ماده ۳۲ بکلی هیچ راه احقاق برای محکوم باقی نماند باشد اینطور نیست اگر ما میگوئیم که حکم محاکمه بدون امضای وزیر اجرا میشود مدعی العموم فقط برای حفظ منافع دولت

تقاضای تجدید نظر بکند آن وقت اشکال شاهزاده وارد بود در ماده گذشته ما اجرای رایورت محکمه را به امضای وزیر مالیه موکول کردیم در ماده بعدش که نوشته ایم وزیر مالیه موافق عقیده مدعی العموم حکم به تجدید نظر مینماید یعنی چه چون در یکی از موادیکه گذشت گفتیم مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت است یعنی در آن جائی که حفظ منافع شده باشد مدعی العموم که رسماً و مستقیماً مأمور حفظ منافع دولت است تقاضای تجدید نظر را خواهد کرد و اینکه این حق تجدید نظر که بوزیر مالیه داده نشده است برای همین است که اگر بنده بدون حق و بدون جهت محکوم شده باشم بروم پیش وزیر مالیه و این مطلب را باو بفهمانم و اسنادی که در دست دارم باونشان بدهم و تقاضای تجدید نظر کنم آنوقت او یا متقاعد خواهد شد یا متقاعد نخواهد شد اگر متقاعد نشد که باز ثانیاً محکوم خواهد شد ولی اگر متقاعد شد آنوقت حکم به تجدید نظر خواهد کرد و برای محکمه هیچ فرقی نخواهد کرد حق من ادا شده است منتها از مجرای وزیر مالیه پس در اینجا وقتی که ما مدعی العموم و وزیر مالیه هر دو حق داریم که تجدید نظر بکنند کانه مثل اینست که برای مردم هم مثل منافع دولت تجدید نظر شده است

آصف الممالک - با اینکه مخبر خودشان میفرمایند که بوزیر مالیه حق داده شده است حکم به تجدید نظر بنماید بنده هیچ مانعی نمی بینم که این حق به امراض هم داده شود و قید شود که بر حسب تقاضای عارض هم وزیر مالیه حکم به تجدید نظر خواهد کرد

مخبر - عرض کردم در مسئله تجدید نظر اگر حقانیت محکوم ثابت بود آنوقت وزیر مالیه حتماً به تقاضای او حکم به تجدید نظر خواهد کرد بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد هارا مراجعه بکمیسیون بفرمایند تا در آنجا مذاکره شود و صاحبان پیشنهاد متقاعد شوند

رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون (ماده ۳۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۴ - اگر محکمه مالیه در ضمن رسیدگی خود تخلفی در اجراء قوانین و نظامنامه های راجع بمالیه مشاهده کند و یا به بیند که مأمورین مالیه برای جلب منفعت شخصی تعدی کرده یا مرتکب تقلب و خیانتی شده اند مراتب را بوزیر مالیه رایورت میدهد

رئیس - در ماده ۳۴ مخالفی هست (اظهاری نشد)

اگر تصویب میکنید آقایان جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتی بهمانند برای روز یکشنبه فردا ۳ ساعت بغروب مانده دستور هم بقیه همین قانون و دو فقره اعتبارنامه یکی راجع بمیرزا عیسی خان و دیگری راجع بجاج اعتبار السلطنه خواهد بود (مجلس تقریباً یکساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۳۲

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت و یک ربع قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس قبل قرائت گردید

غائبین بدون اجازه - آقایان : حاج امام جمعه حاج سید اسدالله قزوینی - حاج میرزا شمس الدین - حاج معین التجار

غائبین با اجازه - آقایان عدل الملک سردار سعید - نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست یا نیست (مخالفی نبود) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز قانون تشکیلات مالیه است از ماده (۳۵) در رسیدگی با اعتبارنامه های آقایان حاج اعتبار السلطنه و میرزا حسین خان است قبلاً در اعتبار نامه ها رای می گیریم - پیشنهادی رسیده است و یازده نفر از نمایندگان امضاء کرده و تقاضا نموده اند رای مخفی گرفته می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد) :

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی ما امضا کنندگان ذیل تقاضا می کنیم که در اعتبار نامه نمایندگان قم و ساوه رای مخفی گرفته شود

محمد حسین خوانساری - یحیی کرمانی - سید امان الله - اورنگ شیرازی - محمد علی - شیخ الملک - شیخ محمد حسن - مدرس - حاج شیخ یوسف - احقر محمد نجفی - الاقل فاضل الموسوی الکاشانی - شیخ اسدالله - محمد حسین - حاج شیخ حبیب الله - شریعتمدار

رئیس - مراسله ایست که از طرف آقای حاج اعتبار السلطنه رسیده قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد) :

مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه نظر باینکه بقدر قوه موفق بخدمتی برای نوع و مملکت شده باشد پس از آنکه از طرف وزارت داخله و مجلس مقدس اطلاع دادند که بسمت نمایندگی بم انتخاب شده ام با کمال افتخار برای انجام خدمات ملی حاضر گردیده و منتظر بودم که از طرف شعبة مامور برسیدگی اعتبارنامه اظهار عقیده بشود حال که شعبة صحت نمایندگی این بنده را تصدیق نموده است و جدانم قبول نمیکند کرسی و کالت را اشغال نمایم و در خارج اسباب سوء تفاهم باشد لهذا بر حسب این عرض از نمایندگی هم استعفا دارد امید است که مجلس مقدس قبول فرمایند علی ای حال بهر خدمتی که رجوع شود حاضر است (العبد اسمعیل اعتبار السلطنه)

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا راجع بچه مطلب است

محمد هاشم میرزا - راجع بهمین موضوع است استعفای ایشان مانع از رسیدگی نیست ما او را وکیل نمیدانستیم که استعفا کرده اند باید رسیدگی بشود

رئیس - صحیح است در نظامنامه اینطور نوشته شده است ولیکن نماینده دماوند که استعفا دادند رسیدگی نشده بود حالا هرطور صلاح باشد همانطور خواهیم کرد

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم علی ای حال موضوع در این است که ببینیم استعفای ایشان از روی چه قاعده است بنده تصور میکنم استعفا بروکالت است ما که او را وکیل نمی دانستیم حالا اگر رسیدگی نشود باید بفهمیم که آیا در آنجا باید تجدید انتخاب شود یا اینکه طور دیگر خواهد شد چون این اشکال برای بنده باقی است تقاضا می

میکنم باین مسئله رسیدگی شود حال مجلس رای می دهد یا نمیدهد نمیدانم

رئیس - ممکن است بگویند مقصود از رسیدگی رسیدگی در شعبه است و شعبه هم رسیدگی نموده حالا میخواهید این مطلب را رجوع بکمیسیون میکنیم که رای خود را در جلسه آتی به عرض مجلس برساند آن وقت هرطور شد قرار شد همانطور رفتار شود (بعضی گفتند صحیح است) حالا باید رای بگیریم در اعتبار نامه آقای میرزا عیسی خان

مختصر السلطان - چون تقاضای از مجلس مقدس شده بود که این مسئله بشعبه چهارم رجوع شود بدوسیهاش رسیدگی کنند ولی شعبه چهارم بواسطه گرفتاری که داشتند منعقد نشد و تاکنون نتوانسته اند باینکار رسیدگی کنند

رئیس - یازده روز است که این مطلب مجدداً بشعبه رجوع شده است و گمان میکنم چون جزه دستور است رای بگیریم و تکلیف معلوم شود بهتر است حالا رای بگیریم که آقایانی که نمایندگی آقای میرزا عیسی خان را تصویب می کنند مهره سفید خواهند داد و آقایانی که تصویب نمیکنند مهره سیاه میدهند

مختصر السلطنه - آقای مبصر الملک مخالف بودند خوب است مخالفت خودشان را اظهار کنند بعد رای گرفته شود

رئیس - کسی اظهار مخالفت نکرد حالا هم اگر کسی مخالف است بگوید

مبصر الملک - بنده مخالف بودم حالا مرضی ندارم

(در این موقع اخذ آراء شد و آقایان حاج عزالمالک و حاج میرزا حسینخان مهره های آرا هارا احصا نموده و بطریق ذیل نتیجه حاصل گردید)

عده رای دهندگان ۵۸ مهر سفید علامت قبول

۲۱ مهره سیاه علامت رد ۳۷

رئیس - آقایانی که رای داده اند (۵۸) نفر عده حضار (۶۲) مهره قبول (۲۱) رای مهره رد (۳۷) پس رد شد - قانون تشکیلات مالیه از ماده (۳۵) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۵ - کمیسیون تطبیق حوالجات مرکب است از پنج نفر که مجلس شورای ملی از میان یازده نفر که دولت پیشنهاد میکند با اکثریت تمام انتخاب مینماید در صورتی که دو دفعه اکثریت تمام حاصل نشد دفعه سوم اکثریت نسبی خواهد بود

رئیس - در این ماده مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست

ماده ۳۶ - (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۶ - برای عضویت کمیسیون مزبور شرایط ذیل لازم است

- (۱) تابعیت ایران
- (۲) لااقل داشتن سی سال
- (۳) اطلاع از اوضاع مالیه و اداری مملکت و لیاقت

رئیس - در ماده ۳۶ ملاحظاتی هست

ناصر الاسلام - در این که نوشته شده است اعضا کمیسیون باید لااقل سی سال داشته باشند بنده مخالفم زیرا که ممکن است